

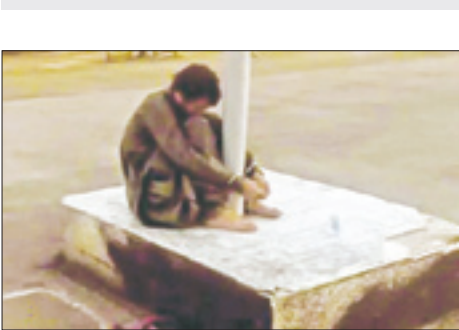
این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب دیده شود.



آیت‌الله حاج آقا محمّدی تهرانی(ره):

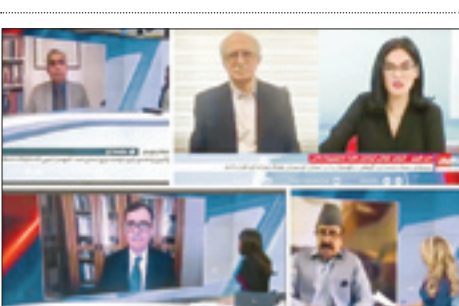
روایت از امام‌هشتم(ع) نقل شده است، راوی می‌گوید: «سَمِعْتُ أَبَا الْخَسَنِ الرَّضَاءَ (ع) يَقُولُ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَيْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»، امیر می‌فرمایند که باید امر به معروف و نهی از منکر شود یا اینکه: «وَأَوْ لَسْتُتَعْمَلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارَ كُفٍّ» تعبیر خیلی عجیبی است! یا امر به معروف و نهی از منکر کنید و اگر نکردید، بی‌برو برگرد شما مطمئن باشید که اول کسانی که زمام امور شما را به دست می‌گیرند افراد، فاسد شما هستند. دوم: «فَيَذَعُو خِيَارَ كُفٍّ فَلَا يَسْتَجِابُ لَهُمْ؛ خویاب شما دعای می‌کنند و خدا، خدا می‌گویند ولی به اجابت نمی‌رسد.» خیلی مسئله عجیبی است! یک وقت خود تارک امر به معروف و نهی از منکر که اهل خیر نیست دعای می‌کنند وعایش مستجاب نمی‌شود،این شخص جزو خیار امت نیست،این یک حرف ظریفی است که اهل آن می‌فهمند و جزو خیار نیست، زیرا ضروری دین، یعنی امر به معروف و نهی از منکر نکرده است، او معصیت کار و از فساد است. پس یک وقت می‌گوی: چنین شخصی که ترک امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، دعایش مستجاب نمی‌شود. یک وقت می‌گوی: در سلط جامعه مسلمانان و مؤمنین، امر به معروف و نهی از منکر انجام نمی‌شود، ولی تک‌تک افراد جامعه طبق وظیفه خود عمل می‌کنند که در حقیقت خیار جامعه هستند، اما چون آنها این واجب امر به معروف و نهی از منکر را عمل نکردند، اثرش این است که دعای آنها هم مستجاب نمی‌شود. این امر دقیقی است، این عدم استجاب دعا مربوط به اخبار جمعه‌است و آن قدر فضای معنویت در جامعه تاریک می‌شود و ظلمات می‌گیرد که این نورها دیگر تابش ندارد که بتواند سدی را بشکند.

منبع: کانال «حاج آقا محمّدی تهرانی» در ایتنا



وقتی بر اندازها خبر کم می‌آوردند

سماحه صالحی در توثیتی نوشت: بر اندازا هر وقت خبر کم میبارن و کفگیرشون میخوره ته دیگ، میگن «بسر، بپراون خبر خدانور لجعی رو از انباز! ارشویکش بیرون» دوباره میذار نش تو ویتترین.



۱۲۰ بار مصاحبه شبکه سعودی با تجزیه طلبان

احمد دستارن در توثیتی نوشت: می‌دونستید ایران اینترنشنال تو ۰۷هروز گذشته بیش از ۱۲۰ بار با تجزیه طلبان شناسنامه دار گفت‌وگو کرده؟ #عنا_رحیم_پور



چیپس کمتر هوای بیشتر!

کانال تلگرامی «آخرین توبیت» نوشت: کارخانه‌های تولید چیپس دارن به سمت تولید محصولات سالم‌تر مبرن هر روز از مقدار چیپس ناسالم کم میکنن و بر مقدار هوای سالم پاکت اضافه می‌کنند.

تروریستی نامیدن اینترنشنال یعنی چی؟!

حمید کثیری در کانال شخصی خود در پیام‌رسان ایتنا نوشت: سازمان تروریستی اعلام کردن اینترنشنال حداقل یعنی: ۱) از این به بعد هر فردی که با این شبکه مرتبط باشه، اعم از مجری و میهمان و عوامل پشت صحنه، از سوی جمهوری اسلامی به عنوان همکار سازمان تروریستی شناخته میشه و طبیعتاً نتایج این تصمیم خودش رو هم باید بپذیره!

۲) هر فرد، شرکت، سازمان و کشوری که به این شبکه تلویزیونی کمک فکری، مالی، امکاناتی و... کنه، از سوی ایران به عنوان کسی که داره اقدام علیه امنیت ملی میکنه محسوب میشه و اون هم باید نتایج این تصمیمش رو بپذیره!

۳) از این به بعد هر نوع ارسال کلیپ، تصویر، متن و... برای این سازمان جرم محسوب میشه. این به صورت واضح باید برای نوجوان ها و بقیه مردم تبیین بشه که این کار به صورت واضح جرم هست و همکاری با سازمان تروریستی محسوب میشه! این یک تصمیم هوشمندانه است که میتونه منجر به تغییر واقعی در میدان بشه.

از کف خیابان تا پشت نیمکت‌های مدرسه



می‌کنند و هر از گاهی آمارهای ضد و نقیضی از تعداد دانش آموزانی که نظام آنها را کشته است، می‌دهند. یکی از آنها که چهره‌ای دور از حاشیه و سنی‌ام‌به‌دهه‌هشتادی‌ها‌ما‌تر‌ترغیب‌می‌کرد به مدارس گوشه و کنار شهر سری بزنم تا دوگانه واقعیت جامعه را از واقعیت مجازی این روزها تشخیص دهم.

چند قدم رو به عقب

دوربین را که در کلاس کاشتم، دانش آموزان چند قدم رو به عقب برداشتند. در قدم‌های رو به عقب آنها من هم چند قدمی به روزهای گذشته، عقیدگرد کردم. حراست اداره آموزش و پرورش از من می‌خواهد دردرسـ مجوز را در نهایت زبانی گرفت و شفاهی نه، اولین مدرسه به در بسته مخالفت خانم مدیر خورد. برهم زدن جو مدرسه دلیلی بود که مدیر آن را اِصراد اما اثبات نکرد... مدرسه دوم، همان مدرسه مریدی بود که مراد من بود. مدیری دغدغه‌مند و از آن مهم‌تر، آشنا، مدرسه‌ای که حالا دوربینم در آن کاشته می‌شود، یک دبیرستان دولتی با ۴۰۰ دانش آموز دختر است.

تصویر ما را پیش نکتید

«دختران چادری سر به زیر و معذب برای صحبت کردن با پسر جوانی چون من». این تصور من پیش از ورود به کلاس بچه‌های علوم و معارف اسلامی بود. تصورم را وقتی در کلاس را باز کردم، پشت در گذاشتم. گفتن اسم رمز این روزها کافی بود برای همراه شدن دانش آموزان. از بچه‌ها می‌خواهم از روزهای «زن، زندگی، آزادی» حرف بزنند. بی‌ملاحظه بالا و پایین مملکت را یکی می‌کردند، خانواده و جامعه را مقصر می‌دانستند و نبود حق انتخاب را بزرگ‌ترین نبود این روزهایشان. دستم دیگر به رکورد و دوربین و سؤال‌هایی که برای مصاحبه آماده می‌کردم، نمی‌رفت. برای من رسانه‌ای همین جمله بود که بدانم دیگر هیچ چیز خوب پیش نمی‌رود وقتی سئوزه‌هایت بگویند: «تصور ما را بخش نکنید!»

حق ما را پس بدهید

نباید خودت را بازی محمدامین! این را زیر لب زمزمه می‌کنم و دوباره به حرف‌هایشان با دوربین خاموش گوش می‌کنم، از قدیم گفته‌اند مستمع صاحب سخن را سر ذوق آورد. سر آخر این ذوق، دوربین ما را روشن و نقط آنها را باز کرد. نفر اول و دوم را کامل می‌شنوم اما از نفر سوم به بعد صحبت‌ها جدید نیست، مدام جملات یکدیگر را تکرار

از دین کلافه است! راست می‌گفت حتی

ماجرای بر خورد خشن راننده اتوبوس با شهید مطهری به خاطر لباس روحانیت!

فامیل من، تنها کسی که راننده است منم. باقی دیگر، دکتر، مهندس، تاجر و افسر هستند. من سرگذشتی دارم. پدر من آدم مسلمان و بسیار متدینی بود. من بچه بودم، مرا به دبستان فرستاد. پيشنماز محله از این مطلب خبر دار شد، آمد پیش پدرم گفت تو بچه‌ات را به مدرسه فرستاده‌ای؟! ای وای! مگر نمی‌دانی که اگر بچه‌ات به مدرسه برود لامذهب می‌شود؟ پدر من هم از پس آدم عوامی بود، این حرف را باور کرد و دیگر نگذاشت دنبال درس بروم. یک روز بعد از اینکه زن و بچه پیدا کردم فهمیدم که اصلاً من سواد ندارم.

معما برای من حل شد که این آدم، بیچاره خودش مسلمان است ولی خودش را بدبخت صنف من می‌داند، می‌گوید: این عمامه به سرها هستند که ما را بدبخت کردند.

این یک جور نهی از منکر است، یعنی راندن، بدبخت کردن خود دشمن ساختن مردم بد دین و روحانیت، بعد من پیش خود گفتم خدا پدرش را بیامرز که فقط با آخوندها دشمن است، با اسلام دشمن نشد؛ باز نمازش را می‌خواند، روزهاش را می‌گیرد، به زيارت امام (رضاع) می‌رود.



دنیا برعکس شده

کانال تلگرامی «حامین مدیا» نوشت: شما ببین اوضاع چه‌جوریه که جای اینکه بزرگ‌ترها بیان جوون‌ها رو نصیحت کنن که ریختن‌پاش زیاد لزوماً باعث خوشبختی و دوام زندگی نیست، جوون‌ها دارن سعی میکنن این رو به بزرگ‌ترها بقبولوند!



آزموده را آزمودن خطاست!

عزیز غضنفری در توثیتی نوشت: روزی که در مرداد ۱۴۰۰ اولین محموله‌های سوخت ایران، سواحل بندرعباس را به مقصد مدیترانه و بندر یانیاس ترک کرد،با تهدید برخی رژیم‌های متخاصم مواجه شد. در آن شرایط اما سیدحسن نصرالله با تهدیدی که بر خاسته از اعتبار بود و نمونه‌های پیشین چنین تهدیداتی از سوی سیدحسن نصرالله در عمل آشکار شده بود اعلام کرد از زمانی که محموله‌های سوخت از خاک جمهوری اسلامی ایران جدا شد، تجاوز به آنها، به معنای تجاوز به سرزمین لبنان محسوب می‌شود. در نهایت از آن زمان تاکنون کمترین اختلالی در مسیر حرکت صادرات سوخت ایران به لبنان رخ نداده است. حالا ما آن اتفاقی که سال پیش با تهدید سیدحسن نصرالله از دستور کار دشمن خارج شد شکل عملی به خود گرفت و دیروز پهبادهای امریکایی کاروان سوخت ایران را که از مرز البو کمال وارد سوریه شده بودند تا پس از آن وارد لبنان شوند مورد هدف قرار دادند. هر چند تاکنون امریکایی‌ها مسئولیت این اقدام را بر عهده گرفته‌اند اما به تجربه نمی‌توان نقش رژیم صهیونیستی و سعودی را در این ماجرا نادیده گرفت.

در اینجاسؤال اساسی آن است که چرا امریکادر این شرایط دست به چنین کاری زده و زین پس چه خواهد شد؟ اولین پاسخ آن است که امریکازا اول بدین خاطر با صادرات سوخت به لبنان مخالف بود، چون می‌خواستند لبنان را به نقطه بحران و آشوب برسانند. تفسه آن است که آنها می‌خواستند لبنان را در خدمت منافع خودشان قرار دهند! اینک نیز چون شرایط داخلی ایران را در وضعیتی دیده‌اند که تصور می‌کنند جمهوری اسلامی ایران قادر به نشان دادن عکس‌العمل نیست و اساساً فشارهای داخلی اجازه پاسخگویی به ایران در مواجهه با تهدیدات را نمی‌دهد دست به چنین کاری زده‌اند. اما از این پس چه خواهد شد؟ طبیعی است که هم جمهوری اسلامی ایران و هم حزب الله لبنان حق مقابله با اقدام خصمانه امریکارا خواهند داشت. روزهای زیادی تا پاسخ‌هایی متقابل ایران و حزب‌الله نخواهد گذشت. در اقدامات شرورانه امریکایی‌ها و عوامل آنها جای تعجب وجود ندارد، تعجب آن جایی است که چرا امریکایی‌ها و احیاناً صهیونیست‌ها آزموده را دوباره آزمودند. جهت اطلاع تاکنون هیچ اقدام شرورانه‌ای در این زمینه از سوی رژیم امریکا و دیگران بدون پاسخ باقی نمانده است، بلکه در بسیاری موارد اقدامات واکنشی جمهوری اسلامی به مراتب درناک‌تر بوده است.



با مردم بانیکی صحبت کنید

حجت‌الاسلام علی‌اصغر جلالی در کانال «قول سدید» در واتس آپ نوشت: هفتمین توصیه رسول گرامی برای حضرت امیر(ع) که در تبیین باید رعایت شود تا اثر بخشی داشته باشد، خوش بیانی است. در تبیین مطالب جاذبه کلّامی نقش اساسی در جذب مخاطب دارد. نرم سخن گفتن، لحنی که علاقه را برساند، به شکل نیکو صدا کردن موجب خواهد شد مخاطب دل به سخن و تبیین بدهد. وقتی طرف موقع خطاب همسر به جای خانم یا حاج خانم می‌گوید: «هوی» او از مرز جاذبه کلّامی خارج شده. امام صادق (ع) فرمود: «اگر مردی به همسرش بگوید دوست دارم او فراموش نخواهد کرد.» یادِ جاری دیگر می‌فرماید: «ذا احببت رجلاً فاحبره: زمانی که شخصی را دوست داشتی به او خبر بده این خبر دادن که شما را دوست دارم جاذبه ایجاد می‌کند.» نمونه‌ای از حسن کلام آنجاست که وقتی به امام حسن(ع) مرد شامی توهین می‌کند و حتی نسبت‌های ناروامی دهد، امام با جاذبه کلّامی می‌فرماید: شما غریب هستید و مهمان! بهر مشکلی دارید بر طرف می‌کنیم. اگر امکاناتی لازم دارید در اختیار قرار می‌دهیم و...»

امام با هر فکری «کلوخ‌انداز را پادشاسنگ است عمل نمی‌کند.» امام می‌داند او بازی خورده شایعه سازان است و روی جهالت چنین موضعی دارد و با حسن بیان جاذبه کلّامی او را متنبه می‌کند. امام علی(ع) می‌فرماید: «الطیّش لا یقوم به خجّجّ الله؛ با خشونت حجت‌های الهی اقامه نخواهد شد.» چه غافلند و نادان کسانی که فکر می‌کنند با تندّی، ترساندن و برخورد خشن، می‌توانند مخاطب را تغییر دهند. امام خمینی در مورد روزشکاران فرمود: «روزشکار نیستیم ولی روزشکاران را دوست دارم.» حالا تصور کنید امام می‌فرمود: «این روزشکاران، این فوتبالیست‌ها در ندارند، همسرانشان نعوذ بالله فاسدند و...» هم گناه و ظلم بود و هم جای جاذبه دفع حاکثری ایجاد می‌شد؛ قولوا للناس حسناً؛ با مردم بانیکی صحبت کنید.

تروریست‌های اینترنشنال!



استاد حسن روح‌الامین، نقاش ایرانی، در توثیتی از تازه‌ترین اثر خود رونمایی کرد. او در شرح کار خود نوشته است: تقدیم به پیشگاه مبارک حضرت احدین موسی الکاظم(ع)، چرا که شما خاندان کرم و مهربانی هستید و این حادثه غمبار اول قلب نازنین شما را متامل و داغدار و از آنرا که میهمانان و از آنرا شما بودند آقا جان.